

## جنگ اسرائیل بر ضد مردم فلسطین

ابراهیم عبدالکریم\*

ترجمه: حجت رسولی\*\*

۸۳

### مقدمه

جنگ اسرائیل بر ضد مردم فلسطین، از منظر رسانه‌ای و تبلیغاتی، «استفاده بیش از حد از زور» در برخورد با ساکنان کرانه باختری و نوار غزه نامیده می‌شود. اقدامات جنگی رژیم صهیونیستی را می‌توان در دو بخش اصلی بررسی کرد: ۱. حملات خشونت بار به ملت فلسطین با انگیزه‌های گوناگون و بهانه‌هایی که فاقد هرگونه توجیه منطقی است؛ ۲. واکنش‌های شدید و به مراتب فراتر از اقدامات فلسطینی‌ها که با مبادی و شیوه‌های رایج مغایر است. جنگ اسرائیل و خط مشی این رژیم در برخورد با انتفاضه، در عرصه ایدئولوژی سیاسی، دارای مفاهیم و مضامین زیادی است. در اسرائیل، این پندار حاکم است که این رژیم درگیر جنگ مسلحانه با فلسطینی‌ها است و جوانان انتفاضه مانند ارتشی مسلح هستند که باید کاملاً سرکوب شوند. از این رو، نظامیان اسرائیل در رویارویی با ملت بی سلاح فلسطین و افراد اندکی که برخی سلاح‌های سرد و ابتدایی در اختیار دارند، از انواع تجهیزات جنگی مخرب استفاده می‌کنند. تحلیلگران سیاسی، اتفاق نظر دارند که حتی این پندار رایج در اسرائیل نمی‌تواند اعمال رژیم صهیونیستی در مقابله با ملت فلسطین را توجیه کند؛ زیرا در

\* ابراهیم عبدالکریم، «الحرب الاسرائیلیة ضد الشعب الفلسطینی»، قضايا استراتیجیة، العدد ۸، دسامبر ۲۰۰۱، ص ۳۰-۵.

\*\* دکتر حجت رسولی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی است.

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، سال پنجم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۰۶-۸۳.

روابط میان دو طرف تعادل برقرار نیست، ضمن اینکه، رفتار رژیم صهیونیستی با اصول حقوق بین الملل ناظر بر رابطه میان نیروهای اشغالگر و ساکنان مناطق تحت اشغال، کاملاً منافات دارد. علاوه بر این، اسرائیل همه فلسطینی‌ها، احزاب و سازمانهای آنان را «دشمن» می‌داند و بر این باور است که باید با عملیات نظامی، شکوه این دشمن را شکست و او را وادار به تسلیم کرد. در همین راستا، رژیم صهیونیستی با تیراندازی به سوی شهروندان فلسطینی، گلوله باران مناطق مسکونی با بهره‌گیری از انواع و اقسام تسلیحات کشنده، تجاوز و تعرض شدید به ساکنان و ضرب و شتم آنان، ترورهای سیاسی، اعمال مجازاتهای دسته جمعی علیه شهروندان و تشدید محاصره به منظور در تنگنا قراردادن ملت فلسطین، جنایاتی مانند کشتار مستقیم، به خطر انداختن بهداشت جسمی و روانی شهروندان فلسطینی و تجاوزات بی شماری از این دست را مرتکب شده است. مبانی، اهداف و نتایج این نبرد نابرابر و ویرانگر علیه مردم فلسطین چیست؟ استفاده از زور توسط رژیم اسرائیل در پرتو قوانین بین المللی و اینکه ارتش اسرائیل در این جنگ از چه سلاحهایی استفاده می‌کند، از موضوعات مورد بحث در این مقاله است.

#### نخست. صهیونیسم، مهد خشونت

ضمن بررسی جنگ اسرائیل با ملت فلسطین و کاربرد سلاحهای مخرب در این جنگ از سوی طرف اسرائیلی، لازم است این جنگ و ابزارهای ویرانگر به کار رفته در آن برپایه حقایقی تاریخی که طی چند دهه نزاع تبلور یافت و دارای ارتباط تنگاتنگی با طرح بزرگ صهیونیسم [از نیل تا فرات] بود، مورد تأمل قرار گیرد. بدیهی است که این پیشینه، دارای دو بعد یا دو بخش به هم پیوسته است. نخست، بعد تئوریک یا ایدئولوژیک که در بردارنده مفاهیمی چون نژادپرستی و کاربرد سیاسی آن در خدمت به میراث یهود است و دوم، بعد عملی موضوع که در اقدام به اسرائیلی کردن فلسطین، برپایه سیاست کاملاً بی رحمانه اخراج و اسکان، تبلور می‌یابد. انگیزه‌های این رفتار خشونت بار صهیونیست‌ها با این دو زمینه مرتبط است و در این باره تفاوتی بین مؤلفه‌های تاریخی رفتار صهیونیست‌ها و روشهای آنان در سرکوب

انتفاضه وجود ندارد. مجموعه عواملی که بستر اجتماعی و سیاسی این رفتار صهیونیست‌ها را تشکیل می‌دهد، عبارت است از: ۱. ماهیت نقش کاربردی طرح صهیونیست‌ها و تضاد ریشه‌ای آن با ساکنان اصلی سرزمین فلسطین و کشورهای هم‌جوار؛ ۲. نگرش توسعه طلبانه، برای تکمیل عملیات شهرک‌سازی و جایگزینی [یهودیان به جای اعراب] به عنوان مبنای اصلی طرح صهیونیسم؛ ۳. ماهیت حکومت، به طوری که خشونت ابزاری ضروری، برای ارتش اسرائیل به شمار می‌آید و این رژیم همواره با ترویج مفهوم «دژ محاصره شده» [اسرائیل]، ضرورت پایبندی به خشونت و اقدام دوراندیشانه برای رویارویی با خطر را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ ۴. ایجاد نهادهای فاشیستی و نظامی سرکش برای اسرائیلی‌ها که خشونت را منشأ و سمبل اثبات وجود خود می‌دانند؛ ۵. مرتبط ساختن «تجربیات تلخ گذشته» با تهدید اعراب، ضمن تلاش برای قالب بندی شخصیت اعراب و توجیه استفاده از اعمال خشونت بار علیه آنان؛ ۶. احساس قدرت برتر بودن و ایجاد انگیزه استفاده از آن و حذف کانونهای تنش و بحرانهای اجتماعی [داخل اسرائیل] و ایجاد آرامش در افراد جامعه. تداوم عمل به این اصول که چارچوب خشونت در بین صهیونیست‌ها را تشکیل می‌دهد، این گونه القا می‌کند که خشونت امری عادی، در نهاد حکومتی صهیونیسم است. هر چند تعیین کم و کیف به کارگیری این خشونت توسط اسرائیل دشوار است، اما با انجام یک بررسی تحلیلی می‌توان نشانه‌های بارز آن را ملاحظه نمود.

## دوم. اهداف اصلی جنگ

جنگ اسرائیل بر ضد ملت فلسطین، از آن جهت که تداوم سیاستهای مخرب صهیونیستی و در عین حال، نفی موجودیت فلسطین با استفاده از تمامی ابزارهای جنگی است، از دیدگاه راهبردی عمومی با نظریه کلازویستی نظریه پرداز نظامی روسی، منطبق است. پس از اینکه روند مذاکرات فلسطینی‌ها به دلیل مخالفت‌های رژیم اسرائیل با مطالبات و حقوق آنان، به بن بست رسید، ملت فلسطین با این امید که بتواند دستاوردهایی را برای خویشتن محقق سازد، از میان گزینه‌های پیش رو، انتفاضه را انتخاب کرد تا اشغالگری

اسرائیل را در همه زمینه های نظامی، اقتصادی، اجتماعی، اسکان و شهرک سازی با هزینه ای گزاف مواجه سازد. این در حالی بود که دولتهای «باراک» و «شارون»، اشغالگری و مقابله با انتفاضه را فرصت مناسبی می دانستند برای تحقق دستاوردهایی که نتوانسته بودند از طریق گفت و گو به دست آورند. از همان روزهای نخست درگیریها مشخص بود که اسرائیل قصد دارد با استفاده از اعمال خشونت بار علیه فلسطینی ها، دستاوردهای ذیل را برای خود محقق سازد.

۱. ایجاد یأس و ناامیدی در بین ملت فلسطین و تشکیلات خودگردان و القاء این مطلب که انتفاضه برای آنان دستاوردهای سیاسی یا عملی در پی نخواهد داشت؛ ۲. اعمال فشار علیه تشکیلات خودگردان برای بازگشت به پای میز مذاکره، با این هدف که در سایه برتری نظامی و توازن قوا به سود خود، بتواند در خلال مذاکرات به امتیازاتی اساسی دست پیدا کند؛ ۳. تلاش برای کاهش انتظارات فلسطینی ها و نهایی کردن بحث وجدلهای مربوط به مسایل اصلی و اکتفا به راه حلهای پیشنهادی از سوی طرف اسرائیلی؛ ۴. مجازات خانواده هایی که فرزندان آنان در انتفاضه شرکت دارند، تا جایی که زندگی آنان به جهنم تبدیل شود و از حضور فرزندان خود در انتفاضه جلوگیری کنند؛ ۵. تخریب و نابودی زیرساختهای فلسطین و از بین بردن تمامی دستاوردهایی که فلسطینی ها در سالهای اخیر با کمکهای بین المللی و کشورهای منطقه به دست آورده اند، به طوری که از آن درس فراموش نشدنی برای آینده فراگیرند. این اهداف، پایه و زیرساختهای اساسی دیدگاههای ویژه اسرائیل برای به کارگیری زور علیه ساکنان مناطق فلسطینی نشین است. این درحالی است که نیروهای اشغالگر همواره سعی داشته اند بین حملات نظامی و اظهارات سیاسی خود، مبنی بر اینکه هرگز در مقابله با انتفاضه کم نخواهند آورد، نوعی تلفیق و هماهنگی ایجاد کنند. از سوی دیگر، رژیم اسرائیل به طور همزمان کوشیده است، ضمن کاستن از اعتراضهایی که به اقدامات جنایت کارانه علیه ملت فلسطین منجر می شود، نقشه های منطقه ای و جهانی خویش را عملی سازد.

## سوم. نمونه هایی از کشتارها و ویرانیها

وزارت بهداشت تشکیلات خودگردان، با صدور بیانیه ای، شمار شهدای فلسطینی را تا تاریخ ۲۶/۳/۲۰۰۱، ۴۳۱ شهید و شمار مجروحان را بالغ بر ۲۲۴۸۹ نفر اعلام کرد. (از این آمار ۷۶۱۳ نفر در کرانه باختری، ۵۴۴۱ نفر در نواز غزه و ۱۰۰۰ نفر در مناطق سال ۱۹۴۸ زخمی شده اند). برپایه این آمار، ۴۱ درصد با گلوله، ۳۵ درصد با ترکش و ۷ درصد با گازهای مختلف هدف قرار گرفته اند.<sup>۱</sup> برپایه آمارگیری که در هفته نخست آوریل سال ۲۰۰۱ منتشر شد، ۳۲ درصد از شهیدان، کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال و شمار کسانی که بر اثر گلوله باران اسرائیل جان باخته اند، ۴۴ نفر بوده است.<sup>۲</sup> «جنبش جهانی دفاع از کودکان»، شاخه فلسطین نیز با صدور بیانیه ای اعلام کرد شهادت ۳۷ درصد از کودکان در اثر برخورد مستقیم گلوله به سر آنان بوده است و ۷۲ درصد بر اثر هدف قرار گرفتن، از قسمت فوقانی بدن به شهادت رسیده اند.<sup>۳</sup> «مرکز تبلیغاتی و ارتباطاتی قدس» نیز با صدور بیانیه ای در تاریخ ۵/۶/۲۰۰۱، شمار شهدای فلسطینی را ۴۹۰ نفر و شمار مجروحان را ۲۰۴۰۰ نفر ذکر کرد.<sup>۴</sup> در بین زخمیان، معلولیت‌های دائمی مانند فلج شدن نیمی از بدن، از دست دادن کامل بینایی، شنوایی یا یکی از اعضای بدن، بسیار مشاهده می شود. علت این امر، شلیک عمدی گلوله به نقاط بسیار حساس بدن شرکت کنندگان در انتفاضه بوده است. طبق آماري که تا پایان سال ۲۰۰۰، درباره میزان تخریب و ویرانگری رژیم صهیونیستی منتشر شد، از ۳۰۶۵ منزل مسکونی که هدف گلوله باران قرار گرفته بود، ۲۴۳۲ منزل به طور کلی ویران و ۲۱ باب مدرسه و ۲۴۰۰ دونم (هر دونم معادل ۹۰۰ متر مربع) زمین، تخریب گردید.<sup>۵</sup>

وزارت مشاغل عمومی فلسطین نیز، با انتشار آماری در اواسط آوریل سال ۲۰۰۱، از تخریب و نابودی راههای اصلی، مناطق روستایی و مزارع کشاورزی فلسطینی ها با استفاده از لودر، بولدوزر و دیگر تجهیزات نظامی خبر داد.<sup>۶</sup> برپایه آمار ارایه شده از سوی رییس اتحادیه کمیته های امداد رسانی پزشکی و مدیر مرکز تبلیغاتی و سیاستهای فلسطین، میزان خسارتهای وارد آمده به فلسطینی ها در مدت زمان هفت ماه جنگ اسرائیل، نابودی ۲۷۰۰ دستگاه ساختمان، تخریب ۱۱ هزار دونم زمین، ریشه کن کردن ۲۵ هزار اصل درخت و آواره

کردن ۱۳۰۰ فلسطینی برآورد گردید.<sup>۷</sup> آنچه در آمارها باید به آن توجه داشت، پافشاری رژیم صهیونیستی بر ویران کردن اموال فلسطینی‌ها از طریق گلوله بارانهای مکرر تأسیسات و اماکن مسکونی است؛ برای نمونه تا اواخر سال ۲۰۰۱ میلادی ۵۰۰ ساختمان و مرکز عمومی و عام‌المنفعه بیش از پنج بار، ۳۵۰ مکان بیش از سه بار و چندین دستگاه ساختمان بیش از ده بار گلوله باران شدند.<sup>۸</sup> وزارت دارایی فلسطین زیانهای اقتصادی ناشی از جنگ اسرائیل، را طی شش ماه از گذشت انتفاضه، ۳۸۶۸ میلیون دلار برآورد کرد،<sup>۹</sup> در حالی که این میزان تا پایان آوریل سال ۲۰۰۱، از ۵٫۸ میلیارد دلار فراتر رفت.<sup>۱۰</sup> خط مشی کلی رژیم اسرائیل مبنی بر اینکه تنها راه شکست فلسطینی‌ها، جنگ فرسایشی و وارد کردن خسارت‌های سنگین به آنان، از راه‌های نظامی، اداری و غیره است، باعث گردید تا زیانها و خسارت‌های ملت فلسطین روز به روز افزایش یابد<sup>۱۱</sup> و این بدان معنا است که رویکرد اسرائیل برای تحمیل راه‌حلهای سیاسی به فلسطینی‌ها، با توسل به زور و واکنش شدید به هرگونه اقدام و موضع‌گیری رسمی و غیررسمی فلسطینی‌ها آغاز می‌شود.

#### چهارم. میزان استفاده از زور و قانون شکنی اسرائیل

رژیم اسرائیل در جنگ با فلسطینی‌ها تمامی معیارهای بین‌المللی، به ویژه در زمینه استفاده از سلاح را زیر پا گذاشته است و حتی به چارچوبهای اعلام شده از سوی خود هم پایبند نبوده است. مظاهر و مصداقهای زیر پا گذاشتن قوانین را می‌توان در نمونه‌هایی مانند تروریسم دولتی بر ضد افراد بی‌گناه جامعه، استفاده کورکورانه از زور علیه ساکنان مناطق فلسطینی، اموال، سازمانها و مؤسسات مختلف آنها به وضوح مشاهده کرد. به عنوان مثال، ارتش اسرائیل، برای گلوله باران شهرها از توپخانه و تسلیحاتی استفاده می‌کند که بیشترین حجم ویرانی را در ساختمانها و تأسیسات و همچنین شمار زیادی زخمی، بر جای می‌گذارد. رژیم اسرائیل، در گلوله بارانهای سنگین خود، ساختمانهای دولتی، مزارع کشاورزی، کارخانه‌ها، مخزنهای ذخیره آب، مدارس، بیمارستانها، مساجد، کلیساها، آمبولانسها و امثال آن را هدف قرار داده است. از منظر حقوق بین‌الملل، تیراندازی، یک اقدام افراطی به شمار

می آید و باید برای پرهیز از به کارگیری سلاحهای آتشین، به ویژه علیه کودکان، نهایت تلاش را به کار بست. همچنین، استفاده مداوم از این گونه سلاحها به هیچ وجه جایز نیست، مگر آنکه حفظ جان افراد و امنیت آنان امکان پذیر نباشد که حتی در این صورت نیز، باید تلاش شود میزان خسارتها در پایینترین اندازه خود باشد و برای حفظ جان مردم، باید نهایت احترام را قایل بود. در حقوق بین الملل، طرفهای درگیر برای استفاده از سلاحها و امکانات جنگی آزاد نیستند و استفاده از تسلیحات یا روشهایی که منجر به وارد آمدن خسارتهای غیرقابل توجیه می شود، مجاز نیست. استفاده از برخی تجهیزات، جنایت جنگی و اقدامی ضد انسانی به شمار می آید. در ذیل به مواردی از جنایات ضد انسانی اشغالگران و استفاده آنان از وسایل و تجهیزات جنگی اشاره می شود.<sup>۱۲</sup>

۱. قتل عمدی غیرنظامیان بر خلاف ماده ۵۰ پیمان نامه چهارم ژنو، مصوب سال ۱۹۴۹ و ماده ۲،۸ از اساس نامه دیوان کیفری بین المللی سال ۱۹۹۸؛ ۲. حملات عمدی بر ضد غیرنظامیان یا علیه شهروندانی که به طور مستقیم در فعالیتهای جنگی و نظامی حضور ندارند که این موضوع مغایر با ماده ۵۱ «بند ۲ و ۳» و ماده ۸۵ و ماده ۸ بند یک، قوانین سیاسی دیوان کیفری بین المللی است؛ ۳. استفاده از گازهای خفه کننده و سمی و انواع مختلف گازها، بر خلاف پروتکل سال ۱۹۲۵ ژنو و ماده ۸ بند ۱۸ اساس نامه دیوان کیفری بین المللی؛ ۴. استفاده از گلولههایی که به راحتی در داخل بدن نفوذ و گسترش پیدا می کند که این اقدام با توافقنامه لاهه «مصوب ۱۸۹۹، ۱، ۲۹» ناظر بر ممنوعیت استفاده از گلوله های قابل پخش و گسترش در بدن انسان و همچنین ماده ۸ بند ۱۹ از اساس نامه دادگاه جنایات بین المللی مغایرت دارد؛ ۵. حملات عمدی به ساختمانها، بیمارستانها، تجهیزات پزشکی، آمبولانسها و امدادگرانی که دارای آرمهای تأیید شده در پیمان نامه های ژنو، مانند آرمهای هلال احمر، صلیب سرخ و شیر و خورشید سرخ ویژه افراد غیرنظامی هستند. این اقدامات برخلاف ماده ۸ بند ۲۴ از آیین نامه و قوانین دیوان کیفری بین المللی است. رژیم اسرائیل همه این قوانین را آشکارا نقض کرده است و برای برخی از سازمانهای بین المللی و در رأس آنها سازمان عفو بین الملل، نقض معیارها و قوانین ثابت بین المللی توسط رژیم اسرائیل کاملاً

آشکار شده است. نمایندگان سازمان عفو بین الملل، در بازدید از اماکنی در فلسطین، اسناد و شواهد زیادی، درباره استفاده از تسلیحات غیرمجاز از سوی اسرائیل، به دست آورده اند.<sup>۱۳</sup> نکته ای که در اینجا قابل توجه است اینکه، هرگاه در مورد میزان تطابق رفتار رژیم اسرائیل با معیارها و قوانین بین المللی، پرسشی مطرح می شود، نیروهای اشغالگر در موضع گیریهای خود حمله به نوار غزه و کرانه باختری را به عنوان مناطق تحت اشغال رد کرده و انتفاضه را به عنوان اقدام آشوب طلبانه قلمداد می کنند. از اسنادی که نیروهای اشغالگر اسرائیلی به سازمانها و هیأت‌های حقوقی ارائه کرده اند، می توان به آیین نامه های مربوط به استفاده از سلاحهای آتش زا و دستورات نظامی صادره از فرماندهی ارتش برای سرکوب شورش اشاره کرد. به عنوان نمونه، در یکی از گزارشهای صادره، توسط «جمعیت فلسطینی حمایت از حقوق بشر و محیط زیست» آمده است:<sup>۱۴</sup>

– سرباز زمانی می تواند از اسلحه استفاده کند که جان وی یا دیگران در معرض خطر مرگ قرار داشته باشد و دفاع از خود و مقابله با مهاجم با چیزهای دیگری غیر از سلاح میسر نباشد؛

– شلیک گلوله با هدف دفع خطر و در صورت لزوم، تنها برای زخمی کردن شخص مهاجم مجاز است؛

– شلیک گلوله جز در موارد اضطراری جایز نیست؛

– برای پراکنده ساختن شرکت کنندگان در اعمال آشوب طلبانه، در مرحله نخست باید از وسایل متعارف استفاده کرد و اگر آشوبها در مدت زمانی معقول پایان نیافت، آنگاه استفاده از وسایل دیگر برای متفرق ساختن تظاهر کنندگان، به تدریج و طی مراحل ذیل مجاز است: استفاده از وسایلی مانند گاز اشک آور، آب، مواد محترقه، نارجکهای دستی چاشنی دار، گلوله های کائوچویی و استفاده از گلوله های پلاستیکی.

برای روشن شدن ادعاهای گمراه کننده رژیم اسرائیل، کافی است به گزارش منتشر شده از سوی «جمعیت فلسطینی حقوق»، در اواخر ماه نوامبر ۲۰۰۰ اشاره کرد. روشهایی که اسرائیل برای مقابله با انتفاضه به کار گرفته، در موارد ذیل خلاصه می شود؛ نقض اصل



تدریجی پراکنده کردن تظاهرکنندگان، نقض اصل تناسب در استفاده از زور، شلیک کورکورانه، قتل عمد با خونسردی کامل، هدف قرار دادن گسترده کودکان، تعدد روشهای زخمی کردن فلسطینی ها و تخریب کامل. این جمعیت در تاریخ ۲۵/۱/۲۰۰۱، گزارشی درباره استفاده کورکورانه از زور توسط اسراییل منتشر ساخت. در این گزارش تأکید شده است که ارتش اسراییل به هیچ یک از اصول مدون به کارگیری زور پایبند نبوده و برای پراکنده کردن راه پیمایان، از تسلیحات ممنوعه و سمی استفاده کرده است و در نتیجه اصول و قوانین بین المللی از جمله، مفاد پیمان نامه چهارم ژنو - مصوب سال ۱۹۴۹ - و پروتکل های الحاقی مربوط به حمایت از آسیب دیدگان جنگ را نقض کرده است. در سند مذکور، اعمال خشونت بر ضد حق حیات و سلامت جانی و همچنین ارتکاب جنایت، شکنجه های بدنی و مثله کردن اجساد و به طور کلی هدف قرار دادن غیرنظامیان ممنوع شده است. جمعیت حقوق بشر، طی چندین مرحله، لیست مفصلی از نقضهای آشکار پیمان نامه ژنو را به کمیته حقیقت یاب سازمان ملل تحویل داده است. از برجسته ترین موارد نقض حقوق، می توان به قتل های عمدی، شکنجه و آزار و آسیب رساندن به سلامت و بهداشت شهروندان، کوچ غیرقانونی و بازداشت افراد مورد حمایت قانون، ارتکاب اعمال خراب کارانه و ویران کردن گسترده املاک فلسطینی ها، مجازات های دسته جمعی و به کارگیری بیش از حد زور، برای پراکنده کردن تظاهرکنندگان اشاره کرد.<sup>۱۵</sup> «ارتکاب قتل عمد با خونسردی کامل»، کشتار شهروندان، تظاهرکنندگان و فعالان انتفاضه، اعدام های خارج از چارچوب های قانون و بدون محاکمه یا اتهام و تنها با انگیزه های سیاسی را شامل می شود. قتل اشخاص به یکی از حالت های ذیل صورت می گیرد: تعقیب و پیگرد افراد به خاطر مقاومت در برابر اشغالگری، انجام اقدامات سرکوبگرانه و تروریستی در بین شهروندان، ترور مقامات و ساکنان مناطق فلسطینی نشین به تلافی و پاسخ به عملیات های شهادت طلبانه.<sup>۱۶</sup> این در حالی است که رژیم اسراییل، قوانین حقوق عمومی و انسانی بین المللی را آشکارا نقض کرده است، طبق این قوانین، اشغالگران برای انتخاب مجازات های نامناسب و به خطر انداختن زندگی شهروندان آزاد نیستند و در آن حقوق و آزادی های شهروندان، در مقابله با سلطه نیروهای اشغالگر مورد

تأکید قرار گرفته است. به طور کلی، رژیم اسرائیل در حمله به فلسطینی ها انواع مختلف جنایات جنگی و قتل و خرابی را مرتکب شده است.

### پنجم. استفاده از سلاحهای کلاسیک

اسرائیل در جنگ خود علیه فلسطینی ها، از انواع و اقسام سلاحها و گلوله هایی که ارتش دیگر کشورها استفاده کرده اند، بهره گرفته و نیروهای مختلف زمینی هوایی و دریایی خود را به جنگ فراخوانده است و در واقع از مناطق فلسطینی نشین، به عنوان یک میدان آزمایش حقیقی برای تسلیحات خود، استفاده کرده است. «جمعیت فلسطینی حقوق بشر» در اواخر ژانویه سال ۲۰۰۱، گزارشی منتشر کرد که در آن به استفاده ارتش اسرائیل از تسلیحات و مهمات ممنوعه در حقوق بین الملل اشاره نمود. در این گزارش آمده است که ارتش اسرائیل از سلاحهای غیرمجاز در حجم فراوانی بر ضد مناطق فلسطینی نشین استفاده کرد، به گونه ای که به کارگیری گلوله های سنگین «تنگستن کاربرد» در اریحا موجب بروز اختلالات سرطانی گردید. در یک کنفرانس مطبوعاتی که از سوی این جمعیت برگزار شد، «دیوید هولی»، کارشناس نظامی انگلیس و نماینده سازمان عفو بین الملل در این سازمان، با استفاده از نمونه ها و بقایای موشکها و همچنین تصاویری از میزان خرابیها و ویرانیهای به وجود آمده، انواع سلاحهایی را که رژیم اشغالگر از آن استفاده کرده بود به نمایش گذاشت.<sup>۱۷</sup> در گزارش مفصلی که این مجموعه در نشریه خود تحت عنوان الرقیب در فوریه ۲۰۰۱ به چاپ رساند، تسلیحات و گلوله ها و بمبهای به کار رفته علیه فلسطینی ها و مناطق فلسطینی نشین نشان داده شد. میزان این سلاحها در حدی بود که گویی ارتش اسرائیل جنگی واقعی را آغاز کرده و ارتش دیگری در میدانهای نبرد در مقابل آن صف آرایی کرده است. مهمترین این سلاحها عبارت بودند از:<sup>۱۸</sup>

#### ۱. سلاحهای سبک

شامل تیربار، سلاحهای کمری و تفنگهای مختلف با گلوله هایی از قبیل: الف. فشنگ

۵٫۵۶ میلیمتری: این فشنگ از اسلحه تیربار «M16» شلیک می‌شود و سرعت آن قریب به ۹۰۰ متر در ثانیه است که در حد گسترده‌ای توسط نظامیان اسرائیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع فشنگ هنگام برخورد به بدن انسان باعث آسیب و خونریزی زیادی می‌شود و در عضلات و رگها پارگی زیادی ایجاد می‌کند و همچنین به استخوانها صدمه می‌رساند. قطر ورودی این فشنگ بالغ بر ۱٫۸ میلی‌متر است، در حالی که خروجی آن بسیار بیشتر می‌باشد؛ ب. فشنگ ۷٫۶۲ میلیمتری: این نوع فشنگ از تیربار «AK47» شلیک می‌شود و سرعت آن بالغ بر ۷۵۱ متر در ثانیه است. میزان استقامت این نوع گلوله در بدن انسان بیشتر است و به شکل مستقیم و بدون پخش شدگی وارد بدن می‌شود، مگر در مواقعی که به استخوان برخورد کند. به هنگام نفوذ گلوله به داخل بدن، منفذ ورودی و خروجی آن از گلوله قبلی بیشتر است. تک تیراندازان اسرائیلی از این نوع گلوله برای هدف قراردادن مسافتهای تقریباً ۴۰۰ متری استفاده می‌کنند؛ ج. فشنگ ۹ میلیمتری و ۱۲٫۷ میلیمتری: نوع نخست از اسلحه موسوم به «عوزی» یا «لنجر» و نوع دوم از تیربارهای اتوماتیک یا خودکار شلیک می‌شود و براساس پیمان نامه ژنو، استفاده از آن برضد شهروندان ممنوع است؛ د. فشنگ انفجاری: گلوله‌ای است با سرعت بسیار بالا که تک تیراندازان اسرائیلی به طور ویژه از آن استفاده می‌کنند. این نوع گلوله به علت سرعت بالای بالغ بر یک کیلومتر در ثانیه، زخمهای بسیار خطرناکی در جسم ایجاد می‌کند.

## ۲. سلاحهای سنگین

الف. موشکهای ضد تانک موسوم به «لاو» با قطر ۶۶ میلیمتر که از بالگردها یا تانکهای اسرائیلی شلیک می‌شود. این موشک ضد زره است و تانک یا نفربر را در فاصله ۳۵۰ متری هدف قرار می‌دهد، اما ارتش اسرائیل از آن برای حمله به اهداف غیرنظامی استفاده می‌کند؛ ب. بالگردهای کبری: این نوع بالگردها شکاری و جنگنده است و اسرائیل حدود ۹۶ فروند از آن را در اختیار دارد. در هر بالگرد یک تیربار در بالای کابین خلبان نصب شده است که قطر دهانه آن ۲۰ میلیمتر است و در هر دقیقه قابلیت شلیک متوسط ۶۷۵ گلوله را در هر دور

داراست؛ ج. بالگردهای آچایی: این نوع بالگردها نیز شکاری است و اسراییل قریب به ۴۰ فروند از آن را در اختیار دارد. این بالگردها در اصابت قرار دادن هدف بسیار دقیقتر از بالگردهای کبری عمل می‌کند. در قسمت پایین آن یک تیربار با قطر و دهانه ۳۰ میلی‌متر تعبیه شده و به ۱۲۰۰ گلوله مجهز است. این بالگرد می‌تواند در زیر هر بال خود ۸ موشک لیزری هوا به زمین از نوع «هلفیر» و ۱۹ گلوله از نوع ۷ میلی‌متری، ۴ موشک ضد هوایمای «استینگر» و ۲ موشک زمین به زمین «سیدویندر» حمل کند. این بالگرد همچنین به دهها بمب و راکت برای حمله به ادوات زرهی مجهز است و دارای دستگاههایی پیشرفته و بسیار قدرتمند است؛ د. هوایماهای اف ۱۶: این هوایماها برای نخستین بار در سال ۱۹۶۷ در بمباران نابلس، رام الله، جبالییا و دیگر مناطق فلسطینی به کار گرفته شد. این نوع هوایما می‌تواند راکت و موشکهای مجهز به لیزر، آتش بار چند دهانه «فیلیکا» و موشکهای هوا به هوا از نوع «پیتون»، «سیدویندر» و «عمیرام» را حمل کند؛ ه. گلوله‌های ۲۰ میلی‌متری و ۵۰ میلی‌متری: این نوع گلوله از تیربارهای نوع «MK19» شلیک می‌شود و قادر به از بین بردن تمام قسمت فوقانی بدن انسان است. گرچه حمله به افراد، با چنین گلوله‌هایی بسیار به ندرت صورت می‌گیرد، اما ارتش اسراییل از مواضع خود چنین گلوله‌هایی را به سوی شهروندان فلسطینی شلیک کرده است؛ و. گلوله‌های ۱۰۰ و ۱۲۰ میلی‌متری: این نوع گلوله‌های سنگین از تانکهای «مرکاوا» که اغلب در ورودی شهرها و روستاها و اردوگاههای فلسطینی مستقر هستند، شلیک می‌شود. همچنین بیشتر قایقهای جنگی اسراییل، شهر غزه و بندر آن را با این نوع گلوله هدف قرار داده‌اند؛

ز. گلوله‌های ۵۰۰ میلی‌متری: این نوع گلوله بسیار سنگین بوده و کشتیهای جنگی اسراییل برای تخریب و نابودی ساختمانهای بزرگ یا چندین منزل مجاور هم از آن استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه، از این نوع گلوله در روز ۲۰/۱۲/۲۰۰۰ در شهر رفح استفاده شد. علاوه بر این نمونه‌ها که عملاً مورد بهره‌گیری قرار گرفته است، یک گزارش تسلیحاتی اسراییل از پژوهش و بررسی استفاده از تسلیحات دیگری در صنایع نظامی خبر داده است که مهمترین آنها عبارتند از: <sup>۱۹</sup> پرتاب گاز آتش‌آور از بالگردها؛ دستگاههایی که از فاصله دور برای

پاشیدن مواد غبار آلود و اشک آور مورد استفاده قرار می گیرند؛ امواج صوتی کر کننده گوش، برای مجبور کردن تظاهر کنندگان به ترک محل تجمع یا تخریب حس شنوایی آنان؛ استفاده از وسایلی که حرکت انسان را دچار اختلال می کند و بیرون آوردن آن از بدن بسیار دشوار است؛ گلوله های کم حجم؛ گلوله های پلاستیکی که به طور مداوم از مسافتهای دور شلیک می شوند؛ گلوله هایی که برای مدتی بسیار طولانی به لباس تظاهر کنندگان می چسبند؛ بمبهای موسوم به فلفل قرمز و داغ که در هوا منفجر می شود و استفاده از آنها و پرتاب دوباره آن به سوی سربازان اسرائیلی به مانند گازهای اشک آور امکانپذیر نیست؛ بمبهای تکان دهنده و لرزش دار با تأثیر بسیار شدید؛ استفاده از تور برای شکار تظاهر کنندگان به مانند تورهایی برای صید حیوانات عظیم الجثه جنگلها؛ ارتش اسرائیل ترجیحاً باید از سلاح اخیر (تور) بر ضد تظاهر کنندگان فلسطینی استفاده کند، ولی این سلاح در آخر لیست سلاحهای مورد استفاده اسرائیل قرار گرفته و این رژیم برای سرکوب انتفاضه سلاحهای کشنده را در صدر لیست سلاحهای خود قرار داده است.

### ششم. گازها و مهمات نامتعارف

گزارش منابع فلسطینی و بین المللی حاکی است که ارتش اسرائیل در جریان سرکوب انتفاضه مردم فلسطین از جنگ افزارهای جدید و متعددی استفاده کرده که پیشتر استفاده از آن علیه فلسطینی ها، به ویژه گازها و مهمات شلیک شده به سوی افراد، سابقه نداشته است. بنابراین، سازمانهای رسمی فلسطین توانسته اند ضمن جمع آوری و دسته بندی موارد مرتبط با این امر، ابعاد این فاجعه را روشن نمایند. در این باره مشاور فنی وزارت محیط زیست فلسطین با اشاره به موارد بررسی شده، گفت: شاید برخی گازهای شیمیایی استفاده شده علیه فلسطینی ها دارای تأثیر ناچیزی باشند، اما تراکم این مواد در بدن باعث بروز بیماریهای فراوانی می شود، مانند مواد سرطان زا که در نگاه نخست بی خطر به نظر می رسند، اما تراکم آن در بدن انسان به مرور زمان منجر به ابتلا به سرطان می شود. مشاور فنی وزارت محیط زیست فلسطین با اشاره به مواردی که در آن، این گونه گازها در متابولیسم بدن و گردش خون

و ژنها خلل ایجاد می کنند و در موارد بسیاری باعث سقط جنین در زنان شده اند. و این امر حاکی از خطرناک بودن گازهای به کار رفته می باشد. افزود: متأسفانه مشکلات فراوانی مانع آزمایش نمونه های این نوع گازها توسط سازمانهای تخصصی تشکیلات خودگردان فلسطین می شود، به ویژه که دسترسی به بمبها، گلوله ها و کپسولهای گاز استفاده شده توسط اسرائیل ممکن نیست، به علاوه، پایین بودن تجربیات علمی و فنی ما در انجام این گونه آزمایشها و نیز نامجهز بودن آزمایشگاههای محلی مانع دستیابی به نتایج دقیق می باشد.<sup>۲۰</sup>

در همین راستا، مدیر کل بیمارستانهای کرانه باختری، تصریح کرده که اسرائیل در جریان سرکوب انتفاضه از گلوله ها و گازهایی استفاده کرده که برای پزشکان فلسطینی ناشناخته است و همین امر انجام معالجات مناسب برای مجروحان و مبتلایان را غیرممکن کرده است. وی خاطر نشان کرد: در موارد بسیاری مشاهده شده که ورودی گلوله در پیکر مجروحان وجود دارد، اما خروجی آن وجود ندارد یعنی گلوله از بدن مجروح خارج نشده است، اما در رادیو گرافی نیز گلوله مشخص نیست یعنی در واقع گلوله جذب بدن شده است، به علاوه، اسرائیلی ها در مواردی نیز از گلوله های انفجاری استفاده کرده اند، بدین ترتیب که گلوله پس از ورود به بدن مجروح منفجر شده و اعضای داخلی بدن وی را نابود کرده است. همچنین صهیونیست ها از انواع گازهای ناشناخته استفاده می کنند که دارای نشانه های کلینیکی متفاوت با عواض گازهای معمولی است، از جمله اینکه پس از سه یا چهار روز از اصابت گلوله مجروح دچار انقباض دستگاه تنفسی، شکم درد شدید و تشنج می شود. وی تأکید کرد هدف اسرائیل از کاربرد این گونه سلاحهای ناشناخته، پیچیده تر کردن معالجه مجروحان و در نتیجه کاهش امکان نجات آنها می باشد.<sup>۲۱</sup> بدیهی است که این اطلاعات تنها قرآینی از خطرناک بودن مهمات به کار رفته در سرکوب انتفاضه فلسطین توسط صهیونیست ها است و ماهیت این گونه مهمات و تأثیرات آتی آن، همچنان در پرده ابهام قرار دارد. به گزارش منابع بین المللی، رژیم اسرائیل، اغلب مناطق بمباران شده فلسطین را تحت تدابیر شدید امنیتی قرار داده و تنها اجازه بازدید از ۱۰ درصد این گونه مناطق را به گروه بازرسی سازمان ملل داده است. همچنین با توجه به اینکه اسرائیل اجازه خروج نمونه

گلوله‌های استفاده شده علیه فلسطینی‌ها جهت آزمایش و شناخت ماهیت آن در خارج از فلسطین را نداده است و نیز بر طبق اظهارات وزیر محیط زیست فلسطین مراکز تحقیقات و آزمایشگاه‌های علمی تشکیلات خودگردان به علت مجهز نبودن قادر به کشف ترکیب این گازهای سمی - که اسرائیل در منطقه خان یونس از آن علیه فلسطینی‌ها استفاده کرده - نمی‌باشند، بر اثر تنفس این گازها افراد به سکت و تشنج مبتلا شده‌اند.<sup>۲۲</sup>

در تلاش برای شکستن سانسور اسرائیل در این باره یک عرب عضو کنیست اسرائیل از جبهه دموکراتیک برای صلح و برابری، معاون وزیر دفاع را به علت کاربرد گازهای اشک‌آور جدید، توسط سربازان اسرائیلی در اردوگاه‌های خان یونس از تاریخ ۱۲ تا ۲۰/۲/۲۰۰۲ که باعث بروز اختلال در سیستم اعصاب و دستگاه تنفسی فلسطینی‌ها شده بود، استیضاح کرده و از وی خواسته است، انواع گازها و بمب‌های گاز اشک‌آور و تجهیزات شلیک آن و اسامی تولیدکنندگان و شیوه استفاده از آن و هشدارهای مربوط به آن و موارد منع کاربرد آن را توضیح دهد. اما معاون وزیر دفاع، ضمن ارایه پاسخهای کلی از بیان هرگونه توضیحی پیرامون جنایت یاد شده، شانه خالی کرد و در توجیه کاربرد این سلاح‌های شیمیایی ممنوعه بین‌المللی به حيله گری و فریب کاری پرداخت.<sup>۲۳</sup> «گروه فلسطینی ناظر حقوق بشر» نیز ضمن ارسال یادداشتی برای سخنگوی ارتش اسرائیل، تصریح کرد، طبق اظهارات «دیوید هولی»، مشاور نظامی و کارشناس تسلیحاتی انگلیس و فرستاده سازمان عفو بین‌الملل، ارتش اسرائیل علیه اهداف غیرنظامیان، در اردوگاه پناهندگان رفح از سلاح‌های جنگی و بمباران هوایی استفاده کرده است و یک انفجار شدید و توأم با نور زرد رنگ و فشار هوا، که مردم را به پایین کوبیده، در این اردوگاه صورت گرفته و به نظر می‌رسد که این انفجار از قبل از رسیدن بمب به زمین صورت گرفته است. این یادداشت می‌افزاید، از بمب‌ها و گلوله‌های ۴۰ میلیمتری گسترده‌ای برای تخریب و انهدام خانه‌های فلسطینی‌ها در شهر الخلیل و سایر مناطق توسط ارتش اسرائیل استفاده می‌شود. با اینکه ارتش اسرائیل، این امر را انکار می‌کند، اما همین امر درباره گلوله‌های مهمتر نیز صدق می‌کند. گروه فلسطینی ناظر بر حقوق بشر، در بیانیه خود، ضمن پرسش درباره سلاح‌های فوق، از سخنگوی ارتش اسرائیل می‌خواهد اطلاعاتی درباره

این گونه سلاحها و مناطق استفاده شده در آن ارایه کند. اما سخنگوی ارتش اسرائیل، در پاسخ به این پرسش و در خواست، ضمن انکار کاربرد این گونه سلاحها توسط ارتش اسرائیل مدعی شد که ارتش فقط از سلاحهای سبک استفاده می کند.<sup>۲۴</sup> در واقع، سخنگوی ارتش اسرائیل با این سخنان، دیگران را نادان فرض کرد و به پاسخهای گمراه کننده به روش رایج صهیونیست ها بسنده نمود.

از سوی دیگر، مدیر کل اورژانس وزارت بهداشت تشکیلات خودگردان فلسطین، فاش کرد که نیروهای اشغالگر اسرائیل برای نخستین بار از سلاحهای بسیار مهلک مدرنی علیه فلسطینی ها استفاده کرده است که باعث جراحات بسیار شدید می شود. مدیر اورژانس فلسطین با اشاره به اینکه طبق مطالعات به عمل آمده، مشخص شد که نیروهای اشغالگر، ترکشهای خطرناکی در داخل گلوله های شلیک شده به سمت مناطق رفح، السلام و منطقه دیر البلح قرار داده اند، گفت: این ترکشها عبارتند از قطعات فلزی مستطیل شکل توپر، به طول ۷ و قطر ۳ سانتیمتر که به هنگام اصابت گلوله تانک به اهداف مورد نظر، پراکنده می شود و در صورت اصابت به بدن، استخوان و سایر اجزای بدن را متلاشی می کند.<sup>۲۵</sup> به موازات استفاده علنی سربازان اسرائیلی از سلاحها و گازهای نامتعارف، اسرائیل به نوعی جنگ پنهانی علیه ساکنان و محیط زیست تشکیلات خودگردان فلسطین دست زده است. وزیر امور محیط زیست فلسطین در این باره گفت: اجسام مشکوکی در مناطق دور افتاده و مقبره ای در حوالی شهر رام الله پیدا شده که ارتش اسرائیل آنها را در آن مکانها قرار داده است. پس از آزمایش و بررسی این اجسام، مشخص شد که اینها دستگاههایی است که حاوی مواد پرتوزا می باشد و در عملیات جستجوی بالگردهای نوع «CH53» کاربرد دارد. یکی دیگر از مواردی که این وزیر از آن پرده برداشت، این بود که اسرائیل مقدار ۲۵۰ بشکه حاوی زباله های شیمیایی و هسته ای را در اوایل ماه مه سال ۲۰۰۱ در حومه شهر الخلیل دفن کرده بود و از این مقدار ۸۰ بشکه ضبط شد و پس از آزمایش آن در آزمایشگاههای دانشگاه «بیرزیت» مشخص شد که متشکل از زباله های صنعتی ارتش اسرائیل و سه ماده شیمیایی کاملاً سمی است که بیش از ده نوع این مواد از عناصر سنگین نظیر کروم، سرب، کادنیوم و کوبالت



می باشد و خطر انتشار این مواد پرتوزا نیز وجود دارد.<sup>۲۶</sup> درباره آثار متریت بر آلودگی مناطق فلسطینی به وسیله مواد سمی، نکته جالبی که قابل بررسی دقیق است اینکه، برخی پزشکان فلسطینی تأکید می کنند که درصد ابتلا به سرطان در مناطق فلسطینی نشین بالاترین درصد در جهان را تشکیل می دهد. وزارت محیط زیست فلسطین اعلام کرد: در این سرزمینها بیش از پنجاه نقطه وجود دارد که اسراییلی ها زباله های هسته ای و شیمیایی خود را به آنجا منتقل می کنند که این زباله ها شامل مواد بسیار سمی و مهلک می باشد. این منبع می افزاید، احتمالاً اسراییل از سالها پیش به دفن زباله های هسته ای و شیمیایی خود در مناطق فلسطینی نشین مبادرت کرده است.<sup>۲۷</sup>

#### هفتم. مسئله اورانیوم غنی شده

ارتش اسراییل به بهره گیری از مهمات کشونده و مواد سمی بسنده نکرده، بلکه به بمباران ساختمانها و تأسیسات فلسطین با بمبهای حاوی اورانیوم غنی شده می پردازد، این ماده فرآورده ای ثانوی از پس مانده های راکتورهای هسته ای است که برای تولید سلاحهای ضد زرهی به کار می رود و دارای توان پرتوزایی پایینی است. مطالعات بین المللی نشان داده که این ماده از راه تنفس و گوارش در بدن تأثیر می گذارد. پس از مطرح شدن موضوع استفاده آمریکا از این نوع اورانیوم علیه نیروهای عراقی در جنگ دوم خلیج فارس، خطرات انسانی و زیست محیطی آن رفته رفته نمایان شد، سپس اطلاعاتی پیرامون برخورداری اسراییل از مقادیر زیادی اورانیوم غنی شده و کاربرد آن در بمباران اهداف فلسطینی، فاش گردید. از جمله این اطلاعات، می توان از سقوط و انهدام هواپیمای العال اسراییل در «بیجمه لوار» (حومه آمستردام) هلند در تاریخ ۱۰/۴/۱۹۹۲ نام برد که طی آن ۴۳ نفر کشته شدند. هواپیمای مذکور حامل ۱۵۰۰ کیلوگرم اورانیوم به قصد اسراییل بود. در سال ۱۹۹۵ مؤسسه مطالعات سیاسی هلند موسوم به «لاکا» و نیز مؤسسه ژئوپولیتیک ارتش آمریکا در گزارشهای جداگانه ای اعلام کرده اند که اسراییل در زرادخانه های نظامی خود مقادیری اورانیوم غنی شده در اختیار دارد.<sup>۲۸</sup> همچنین طبق گزارش یک سازمان آمریکایی به نام مرکز

فعالیت‌های بین‌المللی (International Action Center) که در ماه مارس سال ۲۰۰۱ منتشر شده، اورانیوم غنی شده بخشی اساسی از زرادخانه نظامی اسرائیل را تشکیل می‌دهد و این کشور سلاح‌هایی از آمریکا دریافت کرده که قادر به شلیک گلوله‌های حاوی اورانیوم غنی شده است؛ مانند تانک زرهی ابرام/م ۱ و بالگردهای آپاچی و کبری که مجهز به سیستم پرتاب این نوع گلوله‌ها هستند. این گزارش می‌افزاید طبق تحقیق به عمل آمده از سوی موسسه هلندی لاکا، ارتش اسرائیل برای نخستین بار در سال ۱۹۷۳ و زیر نظر آمریکا از اورانیوم غنی شده علیه فلسطینی‌ها استفاده کرد.<sup>۲۹</sup> به محض افشای شواهدی پیرامون استفاده ارتش اسرائیل از گلوله‌های حاوی اورانیوم غنی شده در بمباران مناطق فلسطینی نشین، به ویژه در بمباران نوار غزه در تاریخ ۲۰/۱۱/۲۰۰۰، گروه فلسطینی ناظر حقوق بشر در تاریخ ۲۵/۱۱/۲۰۰۰ با ارسال یادداشتی در این باره برای وزیر دادگستری اسرائیل و بیان خطرات مرگبار ناشی از کاربرد این گونه سلاح‌ها برای ساکنان فلسطینی و محیط زیست و آب، از وی خواست که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:<sup>۳۰</sup>

- گلوله‌ها و مهمات حاوی اورانیوم غنی شده که ارتش اسرائیل در بمباران شهر و اردوگاه‌های فلسطینی نشین، در طی ماه‌های اکتبر و نوامبر سال ۲۰۰۰ استفاده کرد از چه نوعی است؟

- از اورانیوم غنی شده برای بمباران چه اهدافی استفاده شده است؟

- ارتش اسرائیل، برای عدم استفاده از مهمات حاوی اورانیوم غنی شده علیه مناطق پرجمعیت فلسطینی، چه اقدامات نظارتی انجام داده است؟

اما وزیر دادگستری اسرائیل برای سرپوش نهادن بر این مسئله از پاسخ دادن به این پرسش‌ها خودداری کرد. هم‌زمان با ارسال این یادداشت، گروه فلسطینی ناظر حقوق بشر، پیام و یادداشت مشابهی برای سخنگوی ارتش اسرائیل درباره استفاده ارتش از مهمات حاوی اورانیوم غنی شده شامل همان پرسش‌ها، ارسال نمود. اما پاسخ سخنگوی ارتش اسرائیل به طور خلاصه این بود که: ارتش اسرائیل از اورانیوم غنی شده استفاده نکرده است.<sup>۳۱</sup> به این ترتیب خواست، بار دیگر بر جنایت دیگری که ادله فراوانی برای اثبات آن وجود دارد، سرپوش

قرار دهد. در این حین، سازمان آمریکایی موسوم به «مرکز فعالیتهای بین المللی» در گزارشی که توسط روزنامه البیان منتشر شد، تأکید کرد که اسرائیل به مدت ۳۲ روز و هر روز دست کم ۱۲ ساعت از مهمات حاوی اورانیوم غنی شده علیه فلسطینی ها استفاده کرده است و پیش از آغاز انتفاضه نیز این مواد را بر روی ۴۳ فلسطینی آزمایش کرده که همگی کشته شده اند. گروه تحقیقی که این گزارش مستند را تهیه کرده، فاش ساخته است: نیروهای اسرائیلی از این نوع سلاحها در قایقهای جنگی و بالگردهایی که به مناطق فلسطینی حمله می کنند- استفاده کرده اند- از جمله در حمله به دفاتر جنبش فتح و انهدام کامل این دفاتر. هنگامی که اعضای این گروه با برخی از مقامهای اسرائیلی ملاقات کردند تا نتایج تحقیقات به عمل آمده پیرامون استفاده ارتش اسرائیل از موارد یاد شده را مورد بحث و بررسی قرار دهند، مقامات اسرائیل ضمن ممانعت از تکمیل این تحقیقات، از آنان خواستند فوراً اسرائیل را ترک کنند و سپس به پنهان کردن آثار جنایت خود پرداختند.<sup>۳۲</sup> بر اثر پرسشهای فراوان از فرماندهان ارتش اسرائیل، پیرامون حقایق مربوط به این مسایل توسط منابع داخلی و خارجی، سخنگوی رسمی ارتش اسرائیل، برای نخستین بار در تاریخ ۱۰/۱/۲۰۰۱، اعتراف کرد که ارتش اسرائیل از سالها پیش از اورانیوم غنی شده در جنگ فلسطینی ها بهره برده است. این اعتراف تنها سه روز پس از صدور بیانیه نظامی ارتش اسرائیل که در آن ادعا شده بود هرگز از این مواد و سلاحها استفاده نشده، صورت گرفت. روزنامه «یدیعوت احرونوت» به استناد اعترافات افسران بلند پایه نیروی دریایی نوشت: ارتش اسرائیل از گلوله های حاوی اورانیوم در شبکه تسلیحات آمریکایی موسوم به «ولکن ولانکس» استفاده کرده است. این سیستم بر روی کشتیهای موشک انداز ارتش نصب می شود. قطر لوله توپ این سلاحها ۲۰ میلیمتر است و هر دستگاه دارای شش دهنه می باشد که به هنگام شلیک و به هدف ایجاد آتش بسیار سریع حول محور خود می چرخد. نظامیانی که در نیروی دریایی اسرائیل خدمت کرده اند، از اینکه گلوله های حاوی اورانیوم غنی شده مورد استفاده آنها امری محرمانه و سری نبوده، ابراز خرسندی کردند. در برابر فشارهایی که در این باره بر ارتش اسرائیل وارد شد، منابع نظامی اسرائیل گفتند: تکذیب پیشین کاربرد مهمات حاوی اورانیوم غنی شده توسط سخنگوی ارتش

اسرائیل کاراشتباهی بوده است.<sup>۳۳</sup> سپس واکنشهای داخلی جامعه اسرائیل پیرامون این مسئله جنجالی آغاز شد. از جمله در تاریخ فوریه ۲۰۰۱ گروهی از افسران نیروی هوایی و دریایی ضمن اعتراف به استفاده ارتش اسرائیل از گلوله‌های حاوی اورانیوم، خواستار انجام تحقیقات لازم و آزمایش پیرامون مسئله ابتلای آنها به عوارض ناشی از پرتوهای متصاعد شده از این گلوله‌ها شدند، زیرا آنها مدتها در کنار این گلوله‌ها به سر برده‌اند.<sup>۳۴</sup>

در تلاش برای جلوگیری از رسوایی بیشتر، مقامهای اسرائیلی ضمن اعمال سانسور شدید پیرامون این موضوع، از انتشار هرگونه اطلاعاتی در این باره جلوگیری کردند، به عنوان مثال، عضو عرب کنیست (از جبهه دموکراتیک برای صلح و برابری) می‌گوید: در این باره که آیا اسرائیل سلاحهای حاوی اورانیوم در اختیار دارد یا خیر و یا آیا از آن در سرکوب انتفاضه استفاده کرده است، موضوع را مستقیماً از نخست‌وزیر پرسیدم، اما پاسخی دریافت کردم که به شبهات گذشته من افزود؛ زیرا نخست‌وزیر بدون اینکه به نیروی هوایی و یا دریایی اشاره کند، پاسخ داد که نیروی زمینی ارتش از این گونه سلاحها استفاده نکرده است. این عضو عرب کنیست افزود که: پرسش من تنها درباره نیروی زمینی نبود، بلکه نیروی دریایی و هوایی را نیز در بر می‌گرفت، به ویژه که اطلاعات موجود حاکی از استفاده اسرائیل از بالگردهای آپاچی و قایقهای تندرو برای گلوله باران تأسیسات و منازل فلسطینی با بمبهای حاوی اورانیوم می‌باشد. اما باز هم وی پاسخی شفاف و رسمی درباره این پرسشها از نخست‌وزیر دریافت نکرد. این نماینده عرب پارلمان اسرائیل تأکید کرد: نمایندگان سازمان حقوقی آمریکایی (I.A.C) در طول مدت حضورشان در فلسطین و نوار غزه، توانستند نمونه‌هایی را جمع‌آوری کنند که ثابت می‌کند ارتش اسرائیل از اورانیوم غنی شده در سرکوب انتفاضه استفاده کرده است. اما مقامات اسرائیلی این نمونه‌ها را هنگامی که نمایندگان I.A.C قصد داشتند آن را از طریق فرودگاه بن‌گوریون به آمریکا منتقل نمایند، صادره کردند.<sup>۳۵</sup> سازمان آمریکایی مذکور با انتشار گزارشی در ماه مارس ۲۰۰۱، تأکید کرد که ارتش اسرائیل در جریان سرکوب انتفاضه فلسطینی‌ها، از گلوله‌های حاوی اورانیوم استفاده کرده است. این سازمان افزود: پس از آنکه هیأت حقیقت‌یاب این سازمان، نمونه‌هایی از گلوله‌ها و ترکشهای استفاده شده

توسط ارتش اسرائیل علیه فلسطینی ها را جمع آوری کرد تا از طریق فرودگاه بن گوریون، جهت آزمایش به آمریکا منتقل نماید، توسط نیروهای امنیتی اسرائیل توقیف شد. این اقدام اسرائیل باعث شد تا سازمان مذکور نتواند آزمایشهای دقیقی بر روی نمونه های گرد آوری شده انجام دهد و همین امر شک و تردید اعضای هیأت نسبت به کاربرد سلاحهای حاوی اورانیوم توسط اسرائیل علیه فلسطینی ها را افزایش داد. این سازمان در گزارش خود افزود، کاربرد این گونه سلاحهای رادیواکتیویته نه تنها در درازمدت بر ساکنان منطقه تأثیرات بسیار وخیمی خواهد گذاشت، بلکه بخش گسترده ای از محیط زیست را نیز آلوده خواهد کرد. این سازمان در پایان خواستار انجام تحقیقات و اعتراضات فراگیر علیه کاربرد اورانیوم توسط اسرائیل و متوقف شدن این جنایت ضدبشری شد.<sup>۳۶</sup>

در عرصه داخلی فلسطین نیز مدیر مرکز مطالعات و تحقیقات دولت خودگردان فلسطین گفت، دلایل موجود حاکی از استفاده گلوله های حاوی اورانیوم و مواد رادیواکتیو توسط ارتش اسرائیل برای سرکوب انتفاضه مردم فلسطین است. وی تأکید کرد گزارشهای رسیده از بیمارستانهای کشورهای که مجروحان فلسطینی در آنها معالجه شده اند، حاکی از وجود آثار استفاده از این گونه مواد در گلوله های استفاده شده می باشد و ممانعت صهیونیست ها، ارسال نمونه های جمع آوری شده ترکشها و گلوله ها به سایر کشورها، جهت انجام آزمایشهای دقیق بر روی آنها، از جمله دلایل اثبات این جنایت توسط اسرائیل است.<sup>۳۷</sup> همچنین گزارش منتشر شده از سوی وزارت محیط زیست تشکیلات خودگردان فلسطین در تاریخ اول ژوئیه ۲۰۰۱، ثابت می کند که نیروهای اسرائیلی در سرکوب فلسطینی ها از اورانیوم غنی شده استفاده کرده اند. در این گزارش ادله محکمی برای اثبات ارتکاب این جنایت توسط سربازان صهیونیست ذکر شده است، جنایتی که خسارات جبران ناپذیری به انسانها و محیط زیست فلسطین وارد می کند.<sup>۳۸</sup> اما موضع جامعه جهانی در برابر این مسئله، از جمله پرسشهای مطرح شده در کنفرانس مطبوعاتی وزیر امور محیط زیست تشکیلات خودگردان فلسطین این بود که آیا سازمانهای بین المللی استفاده اسرائیل از اورانیوم غنی شده در گلوله های شلیک شده به سوی فلسطینی ها را تأیید کرده اند، یا اینکه این مسئله

هنوز جنبه بین‌المللی به خود نگرفته است. به ویژه اینکه آمریکا نیز در کمین نشسته است. وزیر محیط زیست فلسطین در پاسخ گفت: تاکنون کسی نتوانسته نمونه‌هایی از گلوله‌های آلوده به این مواد را از فلسطین اشغالی خارج نماید تا مورد آزمایش دقیق قرار گیرد؛ زیرا این موضوع توسط مقامات اسرائیل کنترل می‌شود. به رغم این اختلافات، کارشناسان مصری توانسته‌اند شماری از ترکشهای خارج شده از بدن مجروحان فلسطینی را مورد آزمایش دقیق قرار دهند و افشا کنند که این ترکشها آلوده به اورانیوم و مواد رادیواکتیو است. وزیر محیط زیست دولت خودگردان می‌گوید: در اواخر ماه آوریل سال ۲۰۰۱، وزیر بهداشت فلسطین از سازمان بهداشت جهانی خواست گروه حقیقت‌یاب برای بررسی موضوع اورانیوم موجود در گلوله‌ها به اسرائیل اعزام کند، اما این سازمان تحت فشارهای آمریکا این خواسته را رد کرد و اعلام کرد: تا زمانی که نمونه‌های بیماری سرطان خون موسوم به «لوکمی» در بین مردم فلسطین مشاهده نشود، همان‌گونه که در عراق اتفاق افتاده، از اعزام گروه حقیقت‌یاب معذور است.<sup>۳۹</sup> در این صورت انجام تحقیقات در این باره چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ و سرانجام اینکه گزارشها و بیانیه‌ها در قبال زیانها و آسیبهای کاربرد این نوع سلاحهای آلوده و دارای اثرات دائمی، برای فلسطینی‌ها و محیط زیست آنها چه ارزشی خواهد داشت؟ □

## پاورقیها:

۱. اشرف مطر، گزارش، الايام الفلسطينية، ۲۷، ۳، ۲۰۰۱، ص ۲.
۲. حنان قرط، گزارش، الايام الفلسطينية، ۱۳، ۴، ۲۰۰۱، ص ۸.
۳. ابراهيم أوکاش، گزارش، الحياة الجديدة، ۶، ۴، ۲۰۰۱، ص ۴.
4. www.jmcc.org-5/6/2001. report, jerusalem. midia and Communication center.
5. Report *The Palestinian Human Rights Monitoring Group*. www.pgrmg.org, January 2001.
۶. گزارش، القدس المقدسية، ۲۳، ۴، ۲۰۰۱، ص ۳.
۷. ابتسام سکافی، گزارش، الايام الفلسطينية، ۱۱، ۵، ۲۰۰۱، ص ۶.
8. Report, *Law, The Palestinian Society for the Protection of Human Rights and the Environment*, www. gawsociety.org, January 2001.
۹. حامد جاد، گزارش، الايام الفلسطينية، ۹، ۴، ۲۰۰۱، ص ۱۱.
۱۰. سمير حمتو، گزارش، الحياة الجديدة، ۱۰، ۵، ۲۰۰۱، ص ۷.
۱۱. دون بن يشاي، يديعوت أحرنونوت، ۱۴، ۱۱، ۲۰۰۰، ص ۱۰.
۱۲. داود درعاوی، الحياة الجديدة، ۱۴، ۴، ۲۰۰۱، ص ۳.
۱۳. سند گزارش سازمان عضوین الملل، مجلة الدراسات الاعلامية، شماره ۱۰۱، قاهره، دسامبر ۲۰۰۰، ص ۲۰.
14. Report, *Law*, www.lawsociety.org, November 2000
15. Report *Law*, www.lawsociety.org, November 2000, and indiscriminate of force, 25/1/2001
16. Report, *Al-Haq law in the service of man*, Ramallah, www. algag.org, January 2001
17. Report, *The Palestinian Human Rights Monitoring Group*, www. pgrmg.org, January 2001.
۱۸. سند، نشریه الرقیب صادره گروه فلسطینی محافظ حقوق بشر، سال ۵، شماره ۲۱، فوریه ۲۰۰۱، www.phrmg.org و معاریو ۳، ۶، ۱۹۹۴ و هآآرتص ۱۹، ۲، ۱۹۹۲، وحیل، هابویر/سپتامبر ۱۹۹۰.
۱۹. سافی هندلر، گزارش، معاریو ۱، ۶، ۲۰۰۰، ص ۱۵.
۲۰. ابراهيم أبوکامش، مصاحبه با د.محمد سعید الحمیدی، الحياة الجديدة، ۱۰، ۱۲، ۲۰۰۰، ص ۴.
۲۱. منتصر حمدان، مصاحبه، با موسی أبوحمید، الحياة الجديدة، ۱، ۴، ۲۰۰۱، ص ۷.
۲۲. لینا العبادة، گزارش، کمیته تحقیق کاربرد اورانیوم از سوی اسرائیل، الحياة الجديدة، ۱۴، ۳، ۲۰۰۱، ص ۸.
۲۳. گزارش، الحياة الجديدة، ۴، ۳، ۲۰۰۱، ص ۴.
۲۴. سند، نشریه «الرقیب» صادره گروه فلسطینی محافظ حقوق بشر، سال ۵، شماره ۲۱، فوریه ۲۰۰۰، ص ۱۳، www.phrmg.org.
۲۵. گزارش، الحياة الجديدة، ۸، ۵، ۲۰۰۱، ص ۹.
۲۷. گزارش، محیط زیست فلسطین، القدس المقدسية، ۲۸، ۱، ۲۰۰۱، ص ۱۰.
۲۸. بسام قاقیش، الحياة الجديدة، ۴، ۵، ۲۰۰۱، ص ۱۰.
۲۹. گزارش، الحياة الجديدة، ۲۱، ۳، ۲۰۰۱، ص ۲۱.

۳۰. سند، نشریه «الرقیب» صادره گروه فلسطینی محافظ حقوق بشر، سال ۴، شماره ۲۰، فوریه ۲۰۰۰، ص ۱۰ و [www.phrmg.org](http://www.phrmg.org).
۳۱. سند، نشریه «الرقیب» صادره گروه فلسطینی محافظ حقوق بشر، سال ۵، شماره ۲۱، فوریه ۲۰۰۰، ص ۱۲ و [www.phrmg.org](http://www.phrmg.org).
۳۲. سند آمریکایی، الحیاة الجديدة، ۱۰/۱۲/۲۰۰۰، ص ۱۵.
۳۳. تسادوق یحزقئیلی، یدیعوت أحرنونوت، ۱۱/۱/۲۰۰۱، ص ۱۰.
۳۴. محمد بلاص، گزارش، الايام الفلسطينية، ۲۶/۲/۲۰۰۱، ص ۷.
۳۵. محمد بلاص، الايام الفلسطينية، ۲۶/۲/۲۰۰۱، ص ۷.
۳۶. گزارش، الحیاة الجديدة، ۲۱/۳/۲۰۰۱، ص ۱۶.
۳۷. اشرف مطر، الايام الفلسطينية، ۲/۳/۲۰۰۱، ص ۴.
۳۸. جماد حماد، گزارش وزارت محیط زیست، الحیاة الجديدة، ۴/۶/۲۰۰۱، ص ۷.
۳۹. مصاحبه با وزیر محیط زیست، الايام الفلسطينية، ۱۶/۵/۲۰۰۱، ص ۲.